

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political Satire

طنز سیاسی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان
۲۷ جولای ۲۰۰۹

شکوه

(۲) در افغانستان :

{ د }

بع بع کنان ، تا شود هر سو دوان
طبله و تنبور ، به پشتش زنان
ریشک بز ، لرزک و لرزان نگر
رقص رجب خان و عجب خان نگر
یک رجبی ، بود و یکی هم عجب
جمله اعمال ، نمودی و جب
لیک نگفتی سخن از حاجیان
حاجی شدن مشکل و خیلی گران
شرط و شرایط ، کلمه ، با نماز
روزه و زکات و حجی بی نیاز
یک رجبی ، بود و یکی هم عجب
جمله اعمال ، نمودی و جب
از بدی حادثه ، چند انقلاب
پشت سر هم شده بی آب و تاب

نام یکی گشته دموکراسیان
دیگری با مکر ، شد اسلامیان
یک رجبی ، بود و یکی هم عجب
جمله اعمال ، نمودی و جب
داد اذان مرغی به جای خروس
تا که شدی تاجورانش عروس
دیگر شرارت چو بیامد به جوش
شد عجب وهم رجب ما خموش
یک رجبی ، بود و یکی هم عجب
جمله اعمال ، نمودی و جب
آن رجب و ، آن عجب بیقرار
عزم نمودند که نمایند ، فرار
نقد شدی ، خانه و مال و منال
عازم خارج شدی ، پس با عیال
یک رجبی ، بود و یکی هم عجب
جمله اعمال ، نمودی و جب
بایکی قاچاقبر نوجوان
(صید و جبی) بود به نام و نشان
سوی پیشاور ، سفر آغاز شد
هجر وطن ، با همه دمساز شد
یک رجبی ، بود و یکی هم عجب
جمله اعمال ، نمودی و جب

شکوه

(۲) در افغانستان :

{ ه }

آن رجب و آن عجب با وفا
از بدی حادثه ، از هم جدا

مرغِ رجب ، زود به پرواز شد
شیوۀ نو ، سبکِ نو آغاز شد
وای رجب جان ، شجرِ دین نگر
شاخه و برگ و ثمرِ دین نگر

بقیه دارد